

# نقدی بر حل مسئله

سمیه شعبانی

معلم کلاس سوم



کنند و باور داشته باشند که می‌توانند آن‌ها را حل کنند، برای حل مسئله چاره‌اندیشی کنند، تصمیم بگیرند و باور داشته باشند که پاسخ دست‌یافتنی است؟!»

فکر نمی‌کنم کار جامعه با نیروی انسانی وابسته به روش کتاب‌ها و معلم، به خلق ایده‌های تازه، ابداع شیوه‌های نو و یافتن راه‌حل‌های یاری‌بخش برسد! آیا شما جز این فکر می‌کنید؟

پس حل مسئله را چه کنیم؟

حل مسئله را به کودکان بسپاریم و بر راهبردها تمرکز نکنیم! تمرکز بر راهبرد فرصت ارتباط گرفتن با مسئله را، از نقطه‌ای که برای کودک معنادار است، می‌گیرد! بنابراین، دانش پیشین او را ندیده می‌گیرد! همچنین، باور او را که من می‌توانم به مسئله فکر کنم و راه‌حل معنادار خودم را داشته باشم و بنابراین من عضوی از جامعه ریاضی هستم، برای کودک حیث می‌کند! فرصت فکر کردن به راه‌حل خود و دوستانتش، مقایسه آن‌ها با هم، یافتن شباهت و تفاوت، و هدیه گرفتن و هدیه‌دادن ایده‌هایی که خود یا دوستانتش به آن‌ها فکر نکرده بودند، توسعه‌دادن راهبردهایشان را دریغ خواهد کرد! و فرصت ناب گفت‌وگو و ارتباط با محوریت ریاضی، نقد کردن و استدلال آوردن را از کلاس درس و جامعه نیازمند به روحیه مشارکت و پیش‌بردن کارهای گروهی می‌گیرد!

سؤال آخر اینک: «تمرکز بر چه چیزی مهم است؟ راهبرد یا تمام اتفاقات نابی که از طریق حل کردن مسئله و به اشتراک‌گذاری ایده‌های معنادار کودکان برای کلاس و در نهایت برای جامعه فراهم خواهد شد؟»

\* پی‌نوشت

۱. همان حل مسئله

- کدوم بود؟ الگویابی؟ الگوسازی؟ نه فکر نکنم! حتماً حالا که درس‌مون محیط و مساحت، «زیرمسئله» است! آره خودش! همینکه ولی آخه چه ربطی داره؟! به نظرم مثل مسئله‌های ضربه که خانم توی فصل ضرب می‌داد!

این چه فکریه؟! من درست فکر می‌کنم یا کتاب؟! من درست فکر می‌کنم یا خانم معلم؟! حالا برای زیرمسئله باید چه کار کنم؟ حالا که تعداد کل شکلات‌ها رو می‌خواد، باید اول تعداد شکلات شیری‌ها، بعد هم تعداد شکلات قهوه‌ای‌ها رو پیدا و با هم جمعشون می‌کردم. خب، این جور حل می‌شه دیگه! خوب شد خانم معلم این مسئله شکلات‌ها رو برامون حل کرد، وگرنه الان برگه من سفید می‌موند! دوستام در مورد چی فکر می‌کردن؟! خود خانم معلم رو بگو! مامان و بابا! خدا این کتاب و خانم معلم رو از ما نگیره! بذار مدادم رو بتراشم! آه! سروش شکل کشیده! خدا یا! نکنه رسم شکل بوده! اصلاً من ریاضی نمی‌فهمم! کی می‌شه که خلاص بشم ازش؟!

خوب است به این سؤال فکر کنیم که تجربه گفت‌وگوی درونی بالا ممکن است برای چند کودک پیش آمده باشد و چه اثری در ارتباط گرفتن یا قطع ارتباط او با ریاضی گذاشته باشد! سؤال دیگری که خوب است به آن هم فکر کنیم، این است که: «برای رسیدن به چه هدفی ریاضی را آموزش می‌دهیم؟ آیا قرار است کودکانی بپروریم که در بزرگسالی قدرت مواجهه با مسئله‌ها و چالش‌ها را داشته باشند، بتوانند به آن‌ها فکر

